

فصلنامه مطالعات شبه قاره
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۱
(صص ۷۶-۵۱)

دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند*

استادیار گروه علوم سیاسی
دانشگاه تهران

آرش بیدالله خانی**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
دانشگاه تهران

پیمان رضایی زاده***

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی
دانشگاه تهران

تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی

چکیده

ایران و پاکستان به عنوان دو بازیگر مهم جنوب غربی آسیا با داشتن مرزهای مشترک پهناور تأثیرگذاری مهمی بر تحولات بین‌المللی داشته‌اند. ضرورت‌های سیاسی و ژئواستراتژیکی بین ایران و پاکستان با وجود اختلاف در منافع و چشم‌اندازهای سیاسی در مورد مسائل منطقه‌ای و جهانی، باعث رابطه‌ی نزدیک بین دو کشور شده است. ماهیت و محتوای روابط دو جانبه‌ی ایران و پاکستان در مورد مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مختلف از جمله مسائل امنیتی و مرزی متغیر افغانستان، هندوستان و آمریکا، منافع فرقه‌ای شیعه و سنی

*Email: mjjavad@ut.ac.ir

**Email: Arash_khani@ut.ac.ir

*** Email: Peyman.rezayizadeh@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۲

و گروه‌های بنیادگرا و سلفی، مسئله‌ی هسته‌ای و نیروهای ناتو می‌تواند بر آینده روند صلح و ثبات در آسیا تاثیرگذار باشد. مقاله‌ی حاضر تلاش دارد تا چشم اندازه‌ی مختلف روابط ایران و پاکستان را در یک محیط ژئواستراتژیکی امنیتی بررسی کند. بر همین اساس نوشتار حاضر استدلال می‌کند که مهمترین متغیر در روابط ایران و پاکستان بعد از انقلاب اسلامی به طور عام و پس از یازدهم سپتامبر به طور خاص عامل امنیت استراتژیکی در یک محیط ژئواستراتژیکی در منطقه می‌باشد. در واقع با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو طرف و مسائل امنیتی بین آنها، روابط مابین دو کشور و نگاه استراتژیکی سیاست‌گذاران دو طرف به هم در زمینه‌های مختلف نیز از مجرای محیط ژئواستراتژیکی امنیتی و بالابردن توان امنیتی خود در منطقه بوده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، پاکستان، روابط، امنیت، ژئواستراتژیکی

مقدمه

بخشی از متون روابط بین‌الملل امروزی، با تأثیر پذیری از انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر کاهش نقش عامل جغرافیا در عرصه‌ی روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند. با وجود این، عامل جغرافیا و به ویژه همجواری همچنان به عنوان یک عنصر مهم در روابط کشورها نقش آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان، برآورد امنیت و منافع ملی آنها امری غیر ممکن است. شناخت میزان توانایی و آسیب‌پذیری کشورها، تابع شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی هر کشور است، اما به عنوان یک اصل کلی در سراسر جهان، همسایگان از نقش منحصر به فرد و ویژه در سیاست‌های راهبردی هر کشور برخوردار هستند. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از پانزده همسایه‌ی ارضی و دریایی، حوزه بزرگی از همسایگان متفاوت با توانایی‌های مختلف را در کنار خود دارد. روابط با همسایگان، خواسته یا ناخواسته، دوستانه یا خصمانه، تأثیرات تعیین کننده‌ای بر امنیت و تمامیت ارضی هر کشوری دارد. یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران کشور پاکستان می‌باشد. روابط ایران با پاکستان، به عنوان کشور همسایه، با توجه به قرابت جغرافیایی و داشتن نقاط مشترک فراوان می‌تواند در یک فضای ویژه و مجزا مورد تحلیل قرار گیرد. این کشور با

داشتن مرزهای مشترک و طولانی (حدود ۹۸۷ کیلومتر) و روابط راهبردی در زمینه‌های گوناگون یکی از کشورهای مهم برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. روابط ایران و پاکستان سابقه‌ای طولانی دارد. این روابط برخاسته از دیدگاه‌ها و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است؛ میراث مشترکی که طیف وسیعی از مسائل فرهنگی، زبانی و مذهبی را در بر می‌گیرد و تاریخچه‌ای طولانی دارد. با شکل‌گیری پاکستان، ایران اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت. همچنین با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، پاکستان نیز اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. با توجه به محیط ژئواستراتژیکی که طرفین در آن قرار دارند، امنیت، بستر فوق‌العاده مهمی برای روابط می‌باشد. حادثه‌ی یازدهم سپتامبر باعث ناامن شدن بیش از پیش منطقه‌ی شبه قاره و افزایش هزینه‌های امنیتی برای کشورهای مختلف از جمله ایران و پاکستان شد. تأمین امنیت استراتژیکی این منطقه و حفاظت از محیط امنیتی آن، افزایش همکاری کشورهای مختلف را می‌طلبد. بر همین اساس دو کشور استراتژیک ایران و پاکستان، همکاری‌های خود را در زمینه‌های مختلف افزایش دادند. با توجه به این که در چند سال اخیر، سطح روابط ایران و پاکستان در حوزه‌های مختلف گسترش یافته است، مروری بر این روابط و بازشناسی فرصت‌ها و چالش‌های ساختاری حوزه‌های مختلف روابط بین دو کشور، اهمیت تحقیق در این زمینه را روشن می‌کند. شناخت فرصت‌ها و چالش‌های روابط دو کشور که پایه‌ی اساسی گسترش و یا کاهش این روابط در حوزه‌های مختلف می‌باشد، باعث می‌شود که با نگاهی آسیب‌شناسانه و انتقادی به این روابط، موانع موجود را رفع کرد و در صدد گسترش آن برآمد.

پیرامون روابط ایران و پاکستان، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که در این جا به تعدادی از آن‌ها به عنوان پیشینه‌ی تحقیق اشاره می‌شود؛ کتاب «تاریخ روابط خارجی پاکستان نوشته بورک و زایرینگ» از جمله آثاری است که روابط خارجی پاکستان و سیاست خارجی آن را بررسی کرده است. این کتاب در نوزده فصل تدوین شده است و سیاست خارجی پاکستان را از سال ۱۹۴۷ یعنی زمان استقلال پاکستان تا بعد از مرگ

ضیال‌الحق بررسی می‌کند. نویسندگان کتاب با اذعان به اینکه ایران به عنوان اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت، نقش این کشور را در تثبیت پاکستان در سال‌های اولیه بسیار مهم ارزیابی می‌کنند. بر همین اساس با توجه به اینکه نویسندگان، فصل خاصی را به ایران اختصاص نداده‌اند، اما در خلال اکثر بخش‌های کتاب به نقش ایران در سیاست خارجی پاکستان اشاره داشته‌اند. بورک و زایرینگ در بخشی از کتاب ضمن اشاره به مواضع ایران در مناقشات هند و پاکستان و کشمیر و طرفداری این کشور از پاکستان در مواجهه با هند، ایران را شریکی راهبردی برای پاکستان می‌دانند. آن‌ها ضمن اشاره به کمک‌های نظامی و مالی محمد رضا شاه پهلوی به سرکوب شورش‌های قومی در پاکستان و هسته‌ای شدن آن، این کشور را تا قبل از انقلاب اسلامی شریک راهبردی پاکستان می‌دانند. (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷) اثر دیگری که به روابط ایران و پاکستان می‌پردازد، مقاله‌ی «روابط ایران و پاکستان: نقش آمریکا اثر سامیتا کومار» است. کومار در این مقاله ضمن اشاره به اختلافات ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی تا اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ میلادی، مهم‌ترین عامل در روابط ایران و پاکستان را آمریکا می‌داند (Kumar, 2008: 773-789) همچنین در این مورد مقاله‌ای با عنوان منابع انرژی حوزه‌ی دریای خزر و نقش آن در روابط خارجی ایران با هند و پاکستان وجود دارد که به قلم مسعود ایمانی نوشته شده است. ایمانی در این مقاله ضمن اشاره به نقش ایران در تعاملات انرژی در دریای خزر، به نگرانی‌ها و منافع هند و پاکستان در ارتباط با حوزه‌های انرژی این منطقه‌ی دریایی می‌پردازد. (Imani, 2009: 59-79) کتاب دیگری با عنوان مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی در این مورد وجود دارد. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات است که توسط نویسندگان مختلف در مورد روابط ایران و پاکستان در حوزه‌های مختلف نوشته شده است. کتاب حاضر به بررسی مسائل مختلف روابط ایران و پاکستان از جمله آمریکا، مسئله هسته‌ای و افغانستان و... با دیدگاهی توصیفی-تاریخی می‌پردازد. مقاله‌ی دیگری در این مورد با عنوان «همکاری ایران و پاکستان برای صلح و ثبات منطقه‌ای وجود دارد که توسط احمد منتظران و کاشف ممتاز» نوشته شده است. نویسندگان این مقاله با توجه به معضلات مختلف منطقه‌ای دو کشور در مناطق تحت نفوذ خود و همچنین اختلاف دیدگاهی که در

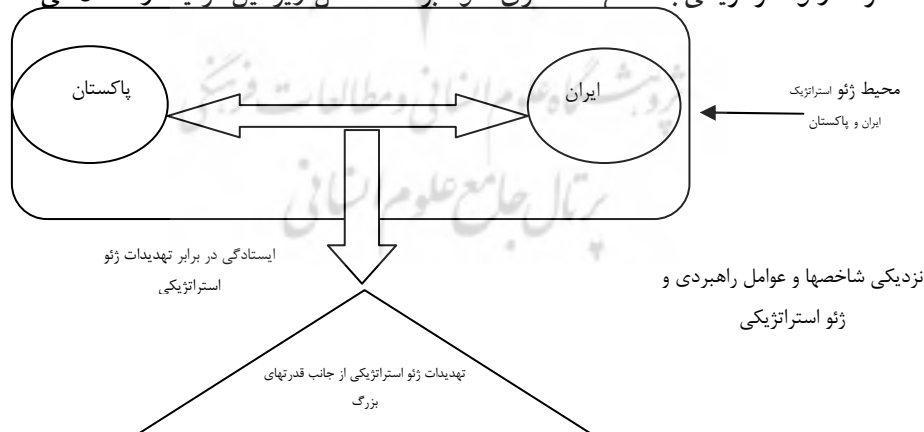
مورد مسائل مختلف از جمله افغانستان بین دو کشور وجود دارد، عوامل همکاری و منافع حاصل از آن را بسیار بیشتر از مسائل اختلاف‌زا بین دو کشور می‌دانند (Montazeran and Mumtaz, 2004) همچنین مقاله‌ی دیگری در این مورد تحت عنوان «روابط غیرکارکردی ایران و پاکستان نوشته هارش پانت» وجود دارد. پانت در این مقاله ضمن تحلیل اختلاف منافع ایران و پاکستان در مورد مسائل مختلف از جمله افغانستان، طالبان، حضور ناتو در منطقه، آمریکا و... مهم‌ترین عامل اختلاف بین ایران و پاکستان را منافع فرقه ای شیعه و سنی می‌داند. وی منافع فرقه ای شیعه و سنی را مهترین عامل ناکارآمد بودن و غیرکارکردی بودن روابط دو کشور می‌داند. (Pant, 2009: 43-50) همان‌طور که سابقه پژوهش نشان می‌دهد، اکثر کتب و مقالاتی که روابط ایران و پاکستان را بررسی می‌کنند، با تأکید بر یکی از جنبه‌های روابط از دیگر زوایای آن غافل می‌شوند. اکثر این کتب و مقالات نیز با دیدگاهی توصیفی و جانب‌دارانه به بررسی روابط این دو کشور در مقاطع خاص تاریخی و مسائل خاص پرداخته‌اند. در هیچ یک از کتب و مقالات، تحلیلی جامع و تبیینی تئوریک از روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران به چشم نمی‌خورد. مقاله‌ی حاضر در پی آن است تا سطح روابط دو کشور را در زمینه‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی تحلیل کند و عامل اساسی گسترش روابط دو کشور را در زمینه‌های مختلف با توجه به محیط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو کشور، مسائل و معضلات مابین و عامل امنیت می‌داند. با توجه به این مسأله، پژوهش حاضر از دیدی ژئواستراتژیک به تحلیل روابط ایران و پاکستان در حوزه‌های مهم امنیتی و راهبردی پرداخته است. بر همین اساس، سوال اصلی ما در مقاله‌ی حاضر این است که مهم‌ترین عاملی که بعد از انقلاب اسلامی باعث گسترش روابط ایران و پاکستان (با توجه اینکه هر دو طرف در یک محیط ژئوپلیتیک و استراتژیک قرار دارند) شده، چه عاملی بوده است؟ در پاسخ به این سوال فرضیه اساسی مقاله‌ی حاضر این است که مهم‌ترین عامل در روابط ایران و پاکستان، متغیر امنیت استراتژیک در یک محیط ژئواستراتژیک می‌باشد. بر همین اساس مقاله حاضر چارچوب مفهومی ژئواستراتژیک و متغیرهای آن را برای تحلیل روابط ایران و پاکستان به عنوان ابزار کار مورد استفاده قرار می‌دهد. با توجه به این‌که در این سال‌ها روابط ایران و پاکستان به

سمت استراتژیک شدن پیش می‌رود، هدف تحقیق بررسی فرصت‌ها و موانع روابط دو کشور با توجه به محیط امنیتی، بالا بردن توان امنیتی دو طرف، کمک به شناخت فرصت‌ها و موانع و افزایش ادبیات سیاستگذارانه در زمینه روابط خارجی و امنیتی بین دو کشور است.

چارچوب مفهومی ژئواستراتژیک

استراتژی بیش از آن‌که واژه‌ای سیاسی باشد، اصطلاحی نظامی به نظر می‌رسید. سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تاثیر تحولات سریع در عرصه‌ی علوم و تکنولوژی و ارتقاء روزافزون سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و دگرگونی در نقش و کارکردهای عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار داشت، به تحول مفهومی واژه‌ی ژئواستراتژی منجر شد. واژه ژئواستراتژیک نیز همراه با مسائل جغرافیای نظامی تا جنگ جهانی دوم در مطالعات منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت. پس از خاتمه جنگ، از لحاظ نظامی دو تحول عمده به وقوع پیوست: «یکی بیداری افکار عمومی و تلاش برای رسیدن به استقلال و دیگری پیشرفت تکنولوژی». پیشرفت تکنولوژی و مسائل روز باعث شد، تأثیر عوامل محیطی و طبیعی، در ژئواستراتژی کاهش یابد و عوامل دیگر اهمیت بیشتری پیدا کنند (مینایی، ۱۳۸۶: ۲۳) در حقیقت، ژئواستراتژی علم کشف روابطی است که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد واژه ژئو- استراتژی، عملاً در نیمه‌ی دوم قرن بیستم در استراتژی‌های نظامی جای گرفت و امروزه تمامی تحولات نظامی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در ارتباط مستقیم با ملاحظات ژئواستراتژیک قرار دارد (عزتی، ۱۳۷۹: ۸) عناصر ژئوپلیتیک شالوده‌ی ژئواستراتژیک را تشکیل می‌دهند، چرا که عناصر طبیعی تأثیر عمیقی در کاربرد ابزار و امکانات دارد. موضوع ژئواستراتژیک بررسی عناصر جغرافیایی مبتنی بر مسائل و عناصر استراتژیک و نائل آمدن به نتایج استراتژیک می‌باشد (Karabulut, 2005: 29) امروزه با روی‌کردی همه‌جانبه، سایر مولفه‌های قدرت و عوامل اتصال‌کننده بین دو کشور وارد حوزه‌ی ژئواستراتژی شده‌اند. به تعبیر کالینز: «چارچوب استراتژی ملی، استراتژی کلی سیاسی (که به مسایل سیاست بین‌المللی و داخلی ارتباط پیدا می‌کند)، استراتژی اقتصادی (که بازتاب خارجی و داخلی دارد) و

بالاخره استراتژی نظامی، همراه با سایر استراتژی‌های دیگری از این قبیل در ژئواستراتژی جای می‌گیرند؛ چرا که در تحلیل نهایی عوامل استراتژیک و ژئوپلیتیک، تلفیقی از یکدیگر هستند» (مینایی: ۱۳۸۶: ۴۹) مفهوم نرم استراتژی امروزه به شیوه‌ی جدید نیز گسترش پیدا کرده و حوزه‌های ارتباطی، تکنولوژیک، فضای مجازی و همچنین محیط داخلی و سیاست بین‌الملل را نیز پوشش می‌دهد. ایولاکوست و ژیلبن معتقدند: واژه ژئواستراتژی و استفاده‌ی که از آن در برخی امور مرتبط با روابط قدرت می‌شود، بر اهمیت اشکال قدرت از لحاظ منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تأکید دارد. دلیل این امر آن است که فلان تنگه، فلان منبع نفت، فلان شهر بزرگ، فلان سرزمین قومی و حتی مکان‌های نمادین منافع خاصی را در نظر قدرت‌های رقیب جلوه می‌دهد که همین منافع و گاه یکی از آن‌ها، ابزار مهمی برای تضمین کنترل ممتد و تملک آن سرزمین یا برای مقابله با نفوذ رقیب در آن مکان محسوب می‌شوند (لاکوست و ژیلبن، ۱۳۷۸: ۱۶۱) برای نمونه ژئواستراتژیک مناطقی که پاکستان و ایران در آن واقع شده‌اند، حاشیه‌ی استراتژیکی را ایجاد کرده که دو طرف با توجه به این که در مناطق ژئوپلیتیکی دنیا واقع شده‌اند و همچنین با توجه به نگاه استراتژیک قدرت‌های بزرگ و منافع آن‌ها در این منطقه، باعث می‌شود که دو کشور از لحاظ راهبردی استراتژی‌ها و شاخص‌های ژئواستراتژیک خود را برای همکاری نزدیک کنند تا بتوانند ضمن ایستادن در برابر تهدیدات مشترک ژئواستراتژیکی به منافع حداکثری خود برسند. شکل زیر این فرآیند را نشان می‌دهد.



در گذشته دانش واژه ژئواستراتژیک با توجه به مفهوم نظامی و سخت‌افزاری، دارای عناصری بود که عبارت بودند از اهداف، راه‌ها و ابزارها. اما با برداشت نرم‌افزاری از ژئواستراتژی، عناصر این واژه نیز تا حدودی تغییر کردند. در بخش بعدی عناصر اصلی ژئواستراتژیک را توضیح می‌دهیم.

۱- عناصر ژئواستراتژیک

در این بخش با توجه به موضوع اصلی تحقیق به مهم‌ترین عوامل ژئواستراتژیک که می‌تواند پیونددهنده‌ی دو کشور باشد و باعث همکاری و نزدیکی استراتژی‌های دو طرف شود، را بیان می‌کنیم.

۲-۱ سرزمین و فرهنگ جامعه

سرزمین و جغرافیا عامل حیاتی و در واقع مهم‌ترین عامل در بحث ژئواستراتژیک می‌باشند. عامل سرزمینی و پیوند جغرافیایی و سرزمینی یکی از مهم‌ترین عوامل در پیوند ژئواستراتژیکی بین دو کشور هستند. پیدایش کلماتی از قبیل «میهن پرستی» «ملت» «پیوند دو کشور و فرهنگ» «جوامع» و دیگر واژه‌هایی از این دست موید آن است که این کلمات در نتیجه‌ی وجود روابط و پیوندهای مادی و معنوی ایجاد شده و عامل جغرافیا و همجواری سرزمینی در ژئواستراتژیک بین دو کشور، یکی از عوامل مهم پیونددهنده بوده است (مینایی، ۱۳۸۶: ۴۲) در مجموع می‌توان بیان داشت که محیط جغرافیایی و همجواری سرزمینی برآمده از آن می‌تواند در بحث ژئواستراتژیک به عنوان عامل اصلی پیونددهنده دو کشور و نزدیک کردن استراتژی‌های آن‌ها به هم باشد. این عامل باعث می‌شود که دولت‌ها با پی بردن به منافع مشترک، رفتار سیاسی و تصمیمات داخلی و سیاست خارجی خود را هماهنگ با آن اجرا کنند. جامعه و فرهنگ آن بعد از جغرافیا و عامل سرزمینی یکی از مهم‌ترین عوامل پیونددهنده در بحث ژئواستراتژیک می‌باشد. نزدیکی فرهنگی و اعتقادی دو جامعه در کنار عوامل دیگر، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پیونددهنده دو کشور است و باعث نزدیک شدن استراتژی‌های دو طرف خواهد شد (Karabulut, 2005: 24)

۲-۲ سیاست

رابطه سیاست و ژئواستراتژی در گذشته به مفاهیم نظامی اشاره داشت. امروزه افق سیاست در بحث ژئواستراتژی کاربردی عملی پیدا کرده است و جهت دهنده عوامل دیگر ژئواستراتژیک است. سیاست در واقع به تفکرات استراتژیک و تلفیق آن با دانش سیاسی اشاره دارد (مینایی، ۱۳۸۶: ۴۵) در بحث روابط دو کشور همجوار سرزمینی، سیاست، تلفیقی از همان تفکرات استراتژیکی همراه با دانش سیاسی است، تا از این طریق سیاست به منافع استراتژیک بلند مدت در رابطه با طرف مقابل دست پیدا کند.

۲-۳ امنیت

مقوله امنیت پدیده ای است که ذاتاً ماحصل به اجرا درآمدن یک سری از استراتژی‌هایی است که از پیش، در هر حوزه طراحی شده است. هر یک از این استراتژی‌ها نقش مهمی را در برقراری امنیت در آن جامعه یا نظام سیاسی دارا می‌باشد که اصولاً در قالب یک استراتژی کلان (استراتژی ملی) هماهنگ شده‌اند و عملیاتی می‌گردند. در واقع هر دولتی نسبت به تهدیدات و اهداف خاص خود، استراتژی‌های خاصی را طراحی و تدوین می‌کنند (مینایی، ۱۳۸۶: ۵۰) در حوزه ژئواستراتژیکی منافع و تهدیدات مشترک برای دو کشور که روابط متقابل و مستحکمی با هم دارند، باعث می‌شود، استراتژی‌های مشخصی را در مورد مناطق مشترک به اجرا در بیاورند. از طرف دیگر، تهدیدات امنیتی و رقابت‌های هر طرف نیز باعث می‌شود، در بعضی از حوزه‌های مشترک امنیتی، استراتژی‌های جداگانه‌ای را به اجرا گذارند.

۲-۴ اقتصاد

ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دو کشور همجوار به طور طبیعی باعث می‌شود که آن‌ها به سمت حوزه‌های ژئواکونومیک حرکت کنند. اقتصاد به عنوان یکی از عناصر اصلی حوزه‌های ژئواستراتژیک در روابط بین دو کشور عامل تاثیرگذار مهمی می‌باشد که از این طریق باعث می‌شود دو کشور استراتژی‌هایشان را به هم نزدیک‌تر کنند (حسین

پور، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۶) با توجه به چهار عامل بالا که عناصر ژئواستراتژی در عصر جدید می‌باشند، در بخش بعدی بر اساس عوامل بالا روابط ایران و پاکستان را با تأکید بر حوزه-ی امنیتی بررسی می‌کنیم. از آنجا که فرضیه‌ی پژوهش حاضر عامل اصلی روابط پاکستان و ایران را در یک محیط ژئواستراتژیک عامل امنیتی می‌داند، تأکید اصلی مقاله بر مسائل امنیتی دو طرف است. بر همین اساس عوامل و تهدیدات مشترک بر علیه دو کشور و مسائل امنیتی مابین باعث شده است که عامل امنیت در روابط پاکستان و ایران بعد از انقلاب اسلامی به طور عام و یازدهم سپتامبر به طور خاص به مهم‌ترین عامل تبدیل شود و دو طرف با توجه به این عامل در حوزه‌های دیگر هم با هم ارتباط داشته باشند.

۲- مرور تاریخی روابط ایران و پاکستان: ژئواستراتژیک سرزمینی و فرهنگی

پیشینه روابط سیاسی ایران و پاکستان به آغاز شکل‌گیری پاکستان و استقلال آن از هند بر می‌گردد. با استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک دو کشور از می ۱۹۴۸ آغاز شد و در می ۱۹۴۹ لیاقت علی‌خان، نخست‌وزیر وقت پاکستان به ایران سفر کرد. محمدرضا پهلوی شاه ایران، نیز اولین رئیس کشوری بود که در مارس ۱۹۵۰ به پاکستان سفر کرد و پس از آن دو کشور در فوریه ۱۹۵۰ با یکدیگر پیمان مودت بستند (Alam:2004:526-527) کشور پاکستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک طولانی با کشورهای بزرگ و نیز به دلیل عدم برخورداری از عمق استراتژیک در مرزهای شرقی و شمالی و قرار گرفتن در معرض تهدید دو کشور همسایه - هند و افغانستان - مشتاق بود با ایران رابطه دوستانه‌ای برقرار کند. ضمن آن‌که پاکستان ایران را به عنوان راه میان‌بری برای برقراری ارتباط با جهان اسلام مدنظر داشت. (Askari 2004:11) از این منظر آنچه امروزه پاکستان نامیده می‌شود بیش از سایر مناطق شبه قاره تحت تاثیر فرهنگ و سیاست ایران بوده است. در سال ۱۹۵۰ امضای پیمان دوستی میان دو طرف، موجب شد که سایه‌ی هر گونه تهدید و دشمنی از روابط دو کشور پاک شود. با وجود اینکه روابط دوستانه پاکستان با حکومت پهلوی تا روزهای پایانی حکومت شاه ادامه یافت، دولت پاکستان از برقراری رابطه با انقلابیون ایران قبل از تأسیس جمهوری

اسلامی ایران و فروپاشی رژیم شاه نیز مضایقه نکرد. انقلاب اسلامی ایران باعث شد که در آن زمان ژنرال ضیاءالحق تحت تاثیر این انقلاب به اسلامی کردن امور در پاکستان سرعت ببخشد، همچنین انقلاب ایران باعث سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن شیعیان این کشور شد (قندیل، ۱۳۷۵: ۱۲۳) عرصه‌ی افغانستان و جهاد علیه شوروی، عامل دیگری بود که این دو کشور در آن به همکاری پرداختند. با آغاز جنگ ایران و عراق، پاکستان به منظور حفظ روابط دوستانه با ایران هیچگاه به طور آشکار نه از عراق حمایت کرد و نه به دلیل روابط گسترده نظامی اش با آمریکا، تهاجم عراق به ایران را محکوم کرد (Mushahid, 1993: 216) داشتن مرز طولانی مشترک و اشتراکات فراوان مردمانی که در دو طرف مرزهای دو کشور زندگی می‌کنند باعث برقراری سطح عمیقی از روابط بین دو کشور شده است. با وجود اینکه عامل ژئوپلیتیک، معمولاً یکی از منابع مهم تنش در بین کشورهای همسایه است، در روابط ایران و پاکستان این عامل از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که مانع بروز تنش و اختلاف بین دو کشور شده است. در حوزه فرهنگی تمامی کشورهای شبه قاره و به ویژه پاکستان ایران را گهواره تمدنی و فرهنگی خود می‌دانند. در تمامی کشورهای منطقه، کاربرد لغات فارسی در گفتار مردم فراوان است. در پاکستان اگرچه آثار ادبیات فارسی در جای جای آن مشهود است، اما در استان‌های غربی این کشور نمود بیشتری دارد. بسیاری از واژگان زبان اردو در پاکستان فارسی است. سرود ملی پاکستان توسط اقبال لاهوری به زبان فارسی سروده شده است. جوامعی از فارسی زبان‌ها در کراچی زندگی می‌کنند. در مجموع زبان فارسی، اردو، پنجابی، سندی و... همگی زیر مجموعه خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی و هند و ایرانی است (Rahman, 1999: 49) این مهم در کنار دین مبین اسلام به عنوان یک عامل هویت بخش روابط ایران و پاکستان را تحت تاثیر قرار داده است.

۳- روابط پاکستان و ایران: ژئواستراتژیک سیاسی - امنیتی

در این بخش با توجه به سوال و فرضیه‌ی اصلی مقاله به تبیین و آزمون این فرضیه می‌پردازیم. نیاز امنیتی دو کشور به یکدیگر یکی از مهم‌ترین عوامل برقراری روابط

استراتژیک بین ایران و پاکستان می‌باشد. این امر به ویژه درباره‌ی پاکستان که در معرض تهدید مداوم هند قرار دارد، اهمیتی دو چندان می‌یابد. پاکستان همواره به دلیل مرزهای مشترک طولانی با افغانستان به دنبال دستیابی به عمق روابط استراتژیک در این کشور بوده است. سیاست خارجی پاکستان ارتباط تنگاتنگی با ملاحظات امنیت ملی آن دارد. روابط خارجی آن به گونه‌ای تنظیم شده است که نهایت امکان را برای تداوم موجودیت این کشور فراهم می‌آورد (Paul, 2005: 54) در بحث ژئواستراتژیک پاکستان، ایران را به عنوان همسایه امن و شریک راهبردی خود به دلیل همجواری جغرافیایی انتخاب کرده است. همچنین جلب حمایت و پشتیبانی نظامی و اقتصادی آمریکا از هنگام استقلال تا کنون در جهت پاسخ به نگرانی‌های امنیتی و مقابله با تهدیدات هند بوده است. از این رو است که در الگوی سیاست خارجی پاکستان حفظ روابط نزدیک با آمریکا به عنوان سیاستی راهبردی دنبال شده است. همچنین پاکستان پیوسته و به طور سنتی سیاست حفظ روابط دوستانه و نزدیک با کشورهای اسلامی خاورمیانه و چین را پی گرفته است (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۹۰) عامل امنیت استراتژیک در مرزهای دو طرف عاملی مهم می‌باشد و طرفین قراردادهای زیادی را در این مورد با هم امضا می‌کنند. مسئله‌ی بلوچستان نیز از نگرانی‌های مشترک طرفین می‌باشد. قبل از انقلاب محمدرضا پهلوی با ارسال سلاح و هلی-کوپترهای جنگی به سرکوب شورشیان بلوچ توسط ارتش پاکستان کمک شایان توجهی کرد. بعد از انقلاب تحركات ضد انقلاب و قدرت‌های بزرگ در نقاط کانونی بحران‌زای بین دو کشور از جمله منطقه بلوچستان، ایران و پاکستان را به این نتیجه رساند که سندهای امنیتی مشترکی را در مورد مسائل مرزی و ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تدوین کنند. نگاه دو طرف در اکثر موارد از زاویه‌ی امنیت ژئواستراتژیک بوده است و این خاصیت ژئو-استراتژیک به دلیل عامل همجواری جغرافیایی و سرزمینی و سپس مسائل و دیدگاه‌های استراتژیکی طرفین می‌باشد. بنابراین در اینجا به مهم‌ترین مسائل سیاسی-امنیتی دو طرف که همکاری‌ها و رقابت‌های آنها نیز در این زمینه جریان پیدا می‌کند، اشاره می‌شود:

۵- مسائل و کانون های امنیتی - سیاسی در روابط پاکستان و ایران

۵-۱ مساله افغانستان

در روند تکوین روابط میان ایران و پاکستان، کشور افغانستان به عنوان یک متغیر مهم امنیتی حضور دارد. نقش افغانستان در این میان به دلیل مشترکات فراوان، فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان پر رنگ است. گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان (اکثراً متعلق به قوم تاجیک، هزاره و قزلباش) به ایران و گرایش برخی دیگر (اکثراً بلوچ ها و پشتون ها) بیشتر به پاکستان است. همین موضوع سبب شده است که دو کشور همسایه در تحولات افغانستان بسترهای نفوذ قابل اتکایی به دست آورند و در مواقعی نیز افغانستان حوزه رقابت و نفوذ بیشتر این دو کشور باشد (تمنا، ۱۳۹۰: ۱۰۶) همانطور که ذکر شد، افغانستان عمق نفوذ استراتژیک پاکستان است و در صورتی که جولانگاه اسلام آباد باشد، مهمترین مولفه ای است که می تواند به ایجاد توازن نسبی قدرت پاکستان در مقابل هند در جنوب آسیا منجر شود (Ali Khan and Ahmad, 2008: 32) از این رو هیچ کشور دیگری از جمله ایران نباید بتواند حوزه های نفوذ خود را در افغانستان گسترش دهد. ایران نیز به دنبال افزایش نفوذ خود بر گروه های مختلف افغان از جمله شیعیان هزاره است. به این دلیل که در طول جنگ با شوروی کمک زیادی به این گروه ها کرد. در مقابل پاکستان همراه با ایالات متحده و عربستان سعودی از طالبان حمایت می کردند. با استقرار دولت طالبان در افغانستان، روابط ایران و پاکستان به سردی گرایید (pant, 2009: 46-47)

تشنه در روابط دو کشور ایران و پاکستان در سال ۱۹۹۸ وقتی به اوج رسید که طالبان تعدادی از دیپلمات های ایرانی در شهر مزار شریف را به قتل رساندند. ایران نیز با تمرکز قوای نظامی در امتداد مرزهای خود با افغانستان به آن عکس العمل نشان داد. اگرچه در اواخر این دوره با افول موقعیت طالبان و تحریم پاکستان از سوی آمریکا و چین به دلیل آزمایش هسته ای سال ۱۹۹۸ و استقبال ایران از این آزمایش، زمینه بهبود نسبی روابط دو کشور فراهم شد. پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و اعلام آمریکا مبنی بر جنگ با

تروریسم ائتلاف های جدید استراتژیکی در سطح جهانی شکل گرفت. (قدسی، ۱۳۸۴:۳۰) این ائتلاف های جهانی سبب شد جریان های جدیدی در معادلات استراتژیک منطقه جنوب آسیا شکل بگیرد که نتیجه ی آن ضرورت برقراری روابط بهتر بین دو کشور ایران و پاکستان بود (واعظی، ۱۳۸۶:۳۴) اما مهم تر از آن تغییر سیاست پاکستان نسبت به طالبان و همراهی آن با آمریکا برای حمله به افغانستان بود که راه را برای بهبود روابط ایران و پاکستان هموار می کرد. کنار رفتن طالبان از حکومت افغانستان روابط دو کشور را تا حدودی بهبود بخشید و باعث شد هر دو طرف برای هماهنگ کردن منافع استراتژیک و اقتصادی اشان در افغانستان تلاش کنند (واعظی، ۱۳۹۰:۲۶) همچنین پاکستان سعی کرده است از طریق افغانستان نقش خود را در مناسبات آسیای مرکزی ارتقا دهد. انگیزه ی پاکستان افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه بوده، در حالی که انگیزه اصلی ایران از روابط با آسیای مرکزی، اطمینان از امنیت خود و شکستن انزوا بوده است. (Alam,2004:532-534)

پاکستان و رقیب ایدئولوژیک ایران (عربستان سعودی) سیاست واحدی را در قبال افغانستان برای محدود کردن نفوذ ایران دنبال می کنند. سیاست های ایران و هند (رقیب پاکستان) و روسیه در افغانستان یکسان است و حتی نزدیکی هند به اسرائیل و آمریکا نیز نتوانسته است میان این کشور و افغانستان شکاف زیادی ایجاد کند (Kumar,2008:783) وجه اشتراک دیگر ایران و پاکستان در افغانستان، همکاری با چین است (تمنا، ۱۳۹۰:۱۰۸-۱۰۷) همچنین در پی کشته شدن بیست و چهار سرباز پاکستانی توسط هواپیماهای ناتو در سال ۲۰۱۲، پاکستان اعلام کرد که در کنفرانس بن دوم برای تعیین سرنوشت در مورد مسائل آینده افغانستان شرکت نمی کند و این اظهار نظر، نگرانی های افغانستان و آمریکا را بالا برد. همانطور که ملاحظه می شود مسئله ی افغانستان با وجود اینکه منجر به رقابت ایران و پاکستان شده است، در آینده می تواند با توجه به نقشی که دو طرف در روند صلح افغانستان بر عهده می گیرند، باعث نزدیکی مواضع شان در قبال این کشور بشود.

۵-۲ رادیکالیسم و مسئله بلوچستان

انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران باعث شد تا کشورهای عرب منطقه به دلیل جلوگیری از نفوذ عقیدتی تشیع سرمایه گذاری زیادی بر تبلیغ مسائل مذهبی کنند. کشور پاکستان به دلیل جمعیت زیاد و فقر مضاعف، یکی از بهترین محیط‌های سرمایه‌گذاری برای مقابله با نفوذ ایران بود. ظهور نیروهای ضد شیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه بوجود آمد. واکنش دنیای عرب به رهبری عربستان سعودی به چالش انقلاب اسلامی ایران، ائتلاف و تلاش جهت ترویج اسلام سیاسی سنی با رویکرد وهابی و محافظه‌کارانه در منطقه بود. پاکستان یکی از مهمترین عرصه‌های رقابت این دو کشور بود (شفیعی و قلیچ‌خان، ۱۳۸۹: ۳). علاوه بر این ایران به عنوان تنها دولت اسلام‌گرای شیعی در جهان به لحاظ مذهبی و ایدئولوژیکی خود را نسبت به وضعیت شیعیان منطقه متعهد کرده بود و نمی‌توانست نسبت به سرنوشت آن‌ها بی‌توجه باشد (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۴) قبل از انقلاب اسلامی فرقه‌گرایی و مسئله شیعه و سنی در روابط دو طرف به هیچ عنوان نقش تعیین‌کننده‌ای نداشت. مسأله فرقه‌گرایی و نفوذ معنوی انقلاب ایران در پاکستان، نیروهای افراط‌گرا را در این کشور تقویت کرد. در پی این مسئله کشورهای عربی و پاکستان نیز به تحریک اقلیت سنی ایران در مرزهای شرقی و غربی پرداختند. همین عامل در چند سال اخیر باعث شده است که تهران نسبت به مسائل فرقه‌گرایی بسیار حساس شود (Abbas, 2010: 8) از آن‌جا که در استان‌های مختلف مرزی ایران جمعیت قابل توجهی از اهل سنت زندگی می‌کنند و حدود ده درصد جامعه ایران را تشکیل می‌هند و از لحاظ قومی و فرهنگی نیز تا حدودی متفاوت هستند حساسیت ایران به این مسئله بیشتر شده است. نفوذ عربستان و پاکستان بر اهل سنت ایران در سال‌های اخیر گسترش یافته است. به طوری که دانشگاه‌های مذهبی و غیر مذهبی عربستان سالانه، تعداد قابل توجهی بورسیه در اختیار دانشجویان اهل سنت ایران می‌گذارند. همین قضیه در مورد پاکستان نیز صدق می‌کند. پاکستان نیز به دلیل هم‌جواری با استان سیستان و بلوچستان ایران و پیوندهای فرهنگی و ریشه‌ای بلوچ‌های دو کشور و با تقویت گروه‌های مذهبی اهل سنت ایران و رشد گروه‌های

افراطی در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آنها در خاک خود باعث شده تا این موضوع به چالشی امنیتی در روابط دو کشور تبدیل شود. بسیاری از ساکنان جنوب خاوری ایران و جنوب استان خراسان اهل سنت هستند. مهمترین شهر اهل سنت در ایران، زاهدان است که حوزه علمیه‌ی مکی این شهر نزد اهل سنت کشور از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. در این مرکز افزون بر طلبه‌های بلوچ، فارس، کرد و ترکمن ایرانی، افغان‌ها و پاکستانی‌های مهاجر نیز مشغول فراگیری علوم مذهبی هستند. نقش مولوی‌ها بعد از انقلاب در مسائل سیاسی و فرهنگی و اجتماعی مناطق سنی‌نشین به مانند تشیع اهمیتی ویژه یافت. اکثر این مولوی‌ها در پاکستان درس خوانده‌اند و تحت تاثیر مکتب دیوبندی هستند (کاویانی، ۱۳۸۹: ۲۰۱) آنها به طور ناخودآگاه نسبت به پاکستان و مردم آن کشور نگاهی هویتی دارند و از دیدی برادرانه به آنها نگاه می‌کنند (حتی مولوی‌های فارس زبان). این تاثیرپذیری ایرانیان سنی از پاکستانی‌ها در چند سال اخیر باعث رشد افراط‌گرایی در ایران شده است تا جایی که در سال‌های اخیر گروه جندالله (مهمترین گروه افراط‌گرای شرق ایران) با تأثیر از مدارس مذهبی پاکستان (افراد این گروه از جمله سردسته آنها عبدالمالک ریگی در کراچی درس خوانده بود)، در خاک ایران دست به عملیات تروریستی می‌زدند و پس از قتل و جنایت در داخل ایران به خاک پاکستان متواری و مخفی می‌شدند (ترحمی، ۱۳۸۸: ۳۰۵) اگرچه مقامات پاکستان همواره از فعالیت این گروه در خاک پاکستان اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند، اما در واقع در پشت پرده، پاکستان از وجود این گروه‌ها برای رسیدن به منافع منطقه‌ای خود از جمله خط لوله گاز استفاده می‌کرد. مناطق بلوچ‌نشین در ایران و پاکستان از جمله توسعه‌نیافته و محروم‌ترین مناطق هر دو کشور هستند و خشونت در این مناطق با گسترش منازعات در دو سوی مرز و نیز جریان غیرقانونی مواد مخدر، اسلحه و مهاجران بغرنج‌تر می‌شود. استان سیستان و بلوچستان ایران به طور اخص شاهد نا-آرامی‌های فزاینده گروه تروریستی متعصب ضد شیعه موسوم به جندالله بوده که اعتقاد بر این است تا اندازه‌ای تحت حمایت پاکستان عملیات می‌کنند و مسئولیت برخی از حملات سنگین به اهداف نظامی ایران نیز بر عهده آنهاست. در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ رئیس‌جمهور احمدی نژاد علناً «برخی از مقامات پاکستان» را به دخالت در حملات تروریستی متهم کرد

و خواستار استرداد فوری رهبران اصلی گروهک جنداالله شد. مقامات پاکستانی نیز هرگونه دخالت در حملات را تکذیب کردند (Pant, 2009: 48) ایران نیز در مقابل برای مدت کوتاهی مرز خود با پاکستان را در دسامبر ۲۰۰۹ بست اما در مارس ۲۰۱۰ با تعهد اسلام‌آباد مبنی بر اتخاذ تدابیر مقتضی جهت بهبود امنیت در این منطقه دوباره آن را باز کرد. همچنین با شروع بهار عربی و ناآرامی سیاسی در منطقه‌ی خلیج فارس تنش بین دو کشور به ویژه در مورد بحرین افزایش یافته است. پاکستان نقش کلیدی در نهادهای امنیتی بحرین ایفا می‌کند. حدود ۴۰۰۰ نیروی نظامی پاکستانی به سرویس‌های امنیتی بحرین کمک می‌کنند. این مسئله تنش بین اسلام‌آباد و تهران را افزایش داده که همبستگی خود را با معترضان شیعه بحرین اعلام نموده است. تهران ظاهراً از این مسئله ابراز نگرانی کرده که پاکستان روند جذب بیش از هزار سرباز از جمله افسران بازنشسته ارتش را برای اعزام به بحرین آغاز نموده است (Mashal, 2011) با وجود متغیر فرقه‌گرایی و مسئله‌ی شیعه و سنی، مسئله‌ی قومیت و بلوچستان بین دو کشور به عنوان یک متغیر ژئواستراتژیک باقی مانده است. نواحی بلوچ-نشین دو کشور به علت ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، زمینه‌های بحران‌زایی و ناامنی زیادی دارند. چنین شاخصه‌هایی در شکل‌گیری مناسبات فضایی و امنیت محور ایران و پاکستان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۱) رویکرد تحلیلی مدیریت هر دو کشور به رخدادهای استان‌های بلوچ‌نشین دو کشور ماهیتی امنیتی- نظامی داشته است. اقداماتی همچون ساخت پاسگاه‌های متعدد بازرسی، ساخت موانع، افزایش نیروهای مرزبانی، تجهیز خودروها، ایجاد پایگاه‌های نظامی و.. از جمله اقدامات طرفین برای مسئله‌ی بلوچستان بوده است (کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۰۴) برای حل مسئله‌ی بلوچستان بدون شک همکاری ایران و پاکستان، راه‌گشا تر خواهد بود، به نظر می‌رسد رادیکالیسم بلوچ بیش از آن‌که منشأ اجتماعی- فرهنگی داشته باشد، بنیان اقتصادی و معیشتی دارد. صرف محرومیت به مفهوم مطلق آن چندان مشکل نیست، بلکه مشکل از آن‌جا نشات می‌گیرد که محرومیت بلوچ‌ها با رفاه گروه‌های دیگری که ارتباط نزدیکی با دولت دارند همراه است و خود بلوچ‌ها نیز از این تبعیض آشکارا آگاهی دارند. لازم است دو دولت ایران و پاکستان در جهت تأمین نیازها و جلب رضایت بلوچ‌ها گام‌های اساسی بردارند. به نظر می‌رسد جلب مشارکت و

همکاری آنها برای پیش‌برد طرح خط لوله که قرار است از بلوچستان ایران و پاکستان بگذرد بسیار کارگشا خواهد بود (قنبرلو، ۱۳۹۰:۲۴۷) کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان نیز تا اندازه زیادی با برقراری امنیت و ثبات در دو کشور همسایه شرقی ارتباط دارد.

۳-۵ مسئله‌ی هسته‌ای در روابط ایران و پاکستان

به رغم فراز و نشیب‌هایی که در روابط ایران و پاکستان وجود دارد، از دهه‌ی ۱۹۹۰ این بحث شکل گرفت که پاکستان یکی از کشورهای مهم در پروژه هسته‌ای ایران است. دوره‌ی قبل از انقلاب، شاه ایران سعی کرد به هسته‌ای شدن پاکستان در مقابل هند کمک کند. (Kerr and Nikitin, 2012:21) در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به ویژه سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ که دکتر عبدالقدیرخان پدر بمب هسته‌ای پاکستان به ایران سفر کرد، همکاری هسته‌ای ایران و پاکستان جلوه بارزتری به خود گرفت. به موازات سفر عبدالقدیرخان، ژنرال اسلم بیگ رئیس وقت ارتش پاکستان در سال ۱۹۹۰ به ایران سفر کرد و بنیادهای تازه‌ای از همکاری هسته‌ای بین ایران و پاکستان را بنا نهاد (Montazeran and Mumtaz, 2004:12) مسئله‌ی هسته‌ای ایران از رقابت دیرین نخبگان داخلی در پاکستان برکنار نبوده است. نخبگان متمایل به آمریکا و غرب تمایلی ندارند که ایران به توانایی هسته‌ای پیشرفته دست یابد و گاه آن را از زاویه رقابت میان شیعیان و سنی‌ها تحلیل می‌کنند. در نقطه مقابل نخبگانی وجود دارند که به شدت از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند (قهرمان پور، ۱۳۹۰:۱۱۷-۱۱۶)

با پذیرش این که بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی پاکستان به ویژه در مسائل مرتبط با امنیت ملی و تمامیت ارضی متأثر از نوع رابطه با هند است، برنامه هسته‌ای ایران را هم نمی‌توان از این قاعده مستثنی دانست. ایران نیز متقابلاً چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن به نوعی از سیاست هسته‌ای پاکستان دفاع کرده است (Kerr and Nikitin, 2012:23) با توجه به روابط استراتژیک و ژئواستراتژیک امنیتی و سیاسی پاکستان و ایران، هم هند و هم پاکستان تمام شدن بحث درباره ابعاد مختلف پرونده هسته‌ای ایران را چندان مفید نمی‌دانند و تلویحاً

خواستار تداوم تمرکز بر پرونده هسته‌ای ایران از سوی قدرت‌های بزرگ هستند. ضمن اینکه خود نیز از درگیر شدن مستقیم در آن خودداری می‌کنند. طرح پرونده هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون و بازتاب‌های رسانه‌ای آن منافع غیر مستقیمی برای پاکستان داشته است، منفعی که این کشور نمی‌خواهد آن را از دست بدهد. حمایت پاکستان از برنامه‌های هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان از این زوایه تحلیل کرد، زیرا در صورت حل و فصل شدن مسئله هسته‌ای ایران، موضوع یا دستور کار بعدی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با منع اشاعه و خلع سلاح، پاکستان، هند و اسرائیل خواهد بود. چیزی که خوشایند پاکستان نیست (قهرمانپور، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۲۸) به همین دلیل پاکستان در بعد منطقه‌ای و بین-المللی و برای حفظ امنیت خویش، از برنامه‌ی هسته‌ای ایران یا به طور آشکار و یا ضمنی حمایت می‌کند.

۳- ایران و پاکستان: ژئواستراتژیک اقتصادی (ژئواکونومیک)

روابط اقتصادی میان ایران و پاکستان از طریق کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان (JEC) که در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد اداره می‌شود. این برنامه چارچوب نهادی مفیدی را در شناسایی مناطق اقتصادی دو طرف و ایجاد همکاری‌های اقتصادی و تجاری در نظر گرفته است (Curtis, 2012: 263) مهم‌ترین محور اقتصادی بین ایران و پاکستان خط لوله صلح است که بحث‌های مقدماتی آن از سال‌ها پیش آغاز شده و با فراز و نشیب‌های فراوان ادامه یافته است و اکنون نیز دو طرف به طور جدی در پی نهایی کردن آن هستند (فرزین نیا، ۱۳۸۷: ۴۰۰) به طور کلی سه مشکل عمده سیاسی بر سر راه پروژه خط لوله صلح وجود دارد که عبارتند از بی‌ثباتی‌های سیاسی در بلوچستان پاکستان و نگرانی پاکستان از عبور خط لوله از این منطقه ۲- منازعات هند و پاکستان و ترس از این که پاکستان از این خط لوله استفاده ابزاری بکند. ۳- مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آمریکا در اجرای این پروژه. در واقع خط لوله (Iran- Pakistan- India (IPI) تهدیدی علیه تلاش‌های آمریکا در جهت مهار ایران نیز به شما می‌آید (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۴۶)

به هر ترتیب این خط لوله در بلند مدت آثار اقتصادی و منافع زیادی برای هر دو کشور دارد. ایران از در آمد حاصل از فروش گاز برخوردار خواهد شد و پاکستان علاوه بر تأمین نیازهای ایزاری، به درآمد زیادی بابت انتقال گاز به هند دست خواهد یافت. پاکستان کشوری است که نیازهای انرژی آن به ویژه در بخش گاز رشد زیادی دارد. اسلام آباد علاوه بر پروژه خط لوله (IPI) به جایگزین‌های دیگری شامل Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India (Tapi) که در آن ترکمنستان منبع تأمین گاز به شمار می‌آید و (QOPI) که در آن از قطر به عنوان منبع اصلی تأمین گاز استفاده می‌شود، نظر دارد اما به نظر می‌رسد با صرفه‌ترین و امکان‌پذیرترین گزینه همان پروژه (IPI) باشد. بحران‌های اخیر در روابط پاکستان و آمریکا طی کشته شدن بن لادن نیز باعث شده است تا پاکستان ضمن فاصله گرفتن از آمریکا، به ایران و چین نزدیک‌تر شود. ضمن این که مقامات پاکستانی بحث خط لوله را بعد از سردی روابط با آمریکا در پی کشته شدن بن لادن، به طور جدی تری مطرح کرده‌اند. احداث این خط لوله در واقع می‌تواند بر روابط هند و پاکستان و خصوصاً مسئله ی کشمیر تاثیرگذار باشد و آن‌ها با ملاحظات بیشتری در مورد آن تصمیم بگیرند. علاوه بر این، احداث خط لوله روابط پاکستان و ایران را در خصوص مساله افغانستان تحت تاثیر قرار می‌هد، چرا که دو کشور رقبای منطقه‌ای در عرصه‌ی افغانستان محسوب می‌شوند. همچنین خط لوله تضادهای شیعه و سنی را در حوزه بلوچستان ایران و مناطق سنی نشین پاکستان تعدیل می‌کند (Maleki, 2007:2) به طور کلی احداث این خط لوله، متغیر اقتصادی را در روابط ژئواستراتژیک بین ایران و پاکستان پررنگ‌تر خواهد کرد و موجب خواهد شد که دو کشور نیز به هم نزدیک شوند، ضمن این که احداث این خط لوله در کنار مناسبات تجاری می‌تواند عامل امنیت را در محیط ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان به عامل اقتصادی تبدیل کند.

نتیجه

مقاله‌ی حاضر ضمن بهره‌گیری از ابزار مفهومی ژئواستراتژیک و عوامل اصلی این دانش - واژه، به بررسی روابط ایران و پاکستان در چهار حوزه‌ی فرهنگی - سرزمینی، سیاسی، امنیتی

و اقتصادی پرداخت. همان‌گونه که بیان شد، عامل اصلی روابط دو کشور ایران و پاکستان که زمینه‌ساز همکاری بیشتر طرفین و نیاز آن‌ها به هم می‌شود، عامل امنیت ژئواستراتژیک است. در واقع می‌توان گفت نیاز امنیتی دو کشور به یکدیگر به عنوان حاشیه‌های امنیتی آن‌ها را به هم نزدیک کرده است. پاکستان با توجه به تهدید استراتژیک هند، سعی کرده است در میان همسایگان مستقیم و غیرمستقیم خود در خاورمیانه و در غرب شرکایی از جمله ایران پیدا کند تا آن‌ها بتوانند با حمایت از پاکستان در مقابل هند توازن استراتژیک برقرار کنند. عوامل ناامنی باعث شده است دو کشور در سیاست خارجی خود نسبت به یکدیگر برخی از ملاحظات امنیتی در یک محیط ژئواستراتژیک را لحاظ کنند. دغدغه‌ها و منافع راهبردی ایران در بخش شرقی بر برقراری الویت امنیت و ثبات و صیانت از مرزها، رقابت با قدرت‌های سنی همچون عربستان سعودی و نیز افزایش نفوذ در افغانستان پس از خروج آمریکا تمرکز دارد. عامل کلیدی که رقابت و همکاری بین ایران و پاکستان را شکل می‌دهد احتمالاً اختلافات فزاینده بین آمریکا و پاکستان است. با وجود تمام این حوزه‌ها به نظر می‌رسد در آینده همکاری‌های راهبردی بین تهران و اسلام‌آباد احتمالاً با مشکلات بیشتری روبرو شود. روابط نزدیک پاکستان با عربستان سعودی و سرمایه‌گذاری‌های کلان ریاض در حوزه دینی پاکستان، همچنان روابط تهران و اسلام‌آباد را پیچیده تر می‌سازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای گذار از عامل امنیتی در ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان و رسیدن به روابط نهادینه شده و پررنگ‌تر شدن عامل فرهنگی و اقتصادی، باید حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری دو کشور در زمینه‌های اقتصادی به هم نزدیک شوند. قرارداد خط لوله گاز در کنار ایجاد زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، تجاری و فرهنگی با توجه به همجواری دو کشور می‌تواند امری تأثیرگذار در این زمینه باشد. ضمن این‌که پیوندهای تاریخی و فرهنگی روابط دو کشور می‌تواند در آینده بسترهای مناسبی را برای دوستی و نزدیکی فراهم کند، چرا که علاقه‌ی مردم دو کشور به هم نمایان است. به طور حتم هر تغییری در سطح تعاملات و عوامل ژئواستراتژیک روابط بین ایران و پاکستان بر آینده‌ی مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیری بنیادین بر جای می‌گذارد و آینده‌ی موازنه قوا در نظام بین‌الملل را نیز دگرگون خواهد کرد.

منابع

- ۱- بورک، س. و لارنس زایرینگ (۱۳۷۷) **تاریخ روابط خارجی پاکستان**، ترجمه ایرج وفایی، تهران: نشر کویر.
- ۲- ترحمی، مهدی (۱۳۸۸) **تروریسم در پاکستان**، تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳- تمنا، فرامرز (۱۳۹۰) **جایگاه افغانستان در روابط ایران با پاکستان**، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۸۵-۱۱۱.
- ۴- حسین پور، رضا (۱۳۸۵) **تحلیل و بررسی هم‌روشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئولیتیک و ژئواستراتژیک**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی پیروز مجتهدزاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰) **شیعیان پاکستان**، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۸۳-۱۳۹.
- ۶- شفیعی، نوذر، قلیچ‌خان، غلامرضا (۱۳۸۹) **تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان**، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان. صص ۱-۱۱.
- ۷- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۹) **ژئواستراتژی**، تهران: سمت.
- ۸- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۷) **ایران و آسیا در دولت نهم: فراز و نشیب‌ها**، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۲، تابستان. صص ۴۲۰-۳۹۷.

- ۹- قدسی، امیر (۱۳۸۴) **ایران و پاکستان، توسعه همکاری راهبردی**، ویژه نامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۴، مرداد، صص ۲۹-۳۴.
- ۱۰- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰) **اقتصاد سیاسی پروژه انتقال گاز طبیعی به پاکستان**، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۲۱۵-۲۵۵.
- ۱۱- قنديل، عباس (۱۳۷۵) **«عوامل و موانع همکاری در روابط میان ایران و پاکستان»**، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، به راهنمایی داریوش اخوان کاظمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ۱۲- قهرمان پور، رحمان (۱۳۹۰) **تأثیر مسئله هسته ای ایران بر روابط ایران و پاکستان**، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۳۷-۱۱۱.
- ۱۳- کاویانی، مراد، (۱۳۸۹) **ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۴- (۱۳۹۰) **کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان**، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۲۱۵-۱۸۳.
- ۱۵- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹) **مقدمه ای بر ایران و همسایگانش** (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم تهران.
- ۱۶- لاکوست، ایو و بناتریس ژیلبن، (۱۳۷۸) **عوامل و اندیشه ها در ژئوپلیتیک**، ترجمه علی فراستی، تهران: آمن.

۱۷- مینایی، مهدی (۱۳۸۶) **مقدمه ای بر ژئواستراتژی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

۱۸- واعظی، محمود (۱۳۸۶) **چالش ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی**، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره بیست و سوم، نیمه اسفند، صفحات ۳۸-۳۴

۱۹- واعظی، طیبه (۱۳۹۰) **روابط ایران و پاکستان**، روندها و تحولات در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۴۳-۱۷.

20-Abbas,Hassan,(2010) **Shiism and Sectarian Conflict in Pakistan** : Identity Politics, Iranian Influence, and Tit-for-Tat Violence, Combating Terrorism Center at West Point. Occasional Paper Series.

21-Alam,Shah,(2004)**Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions**, Strategic Analysis journal, Vol. 28, No. 4,pp:526-547.

22-Ali Khan, Zahid and Shabir Ahmad,(2008) **Pakistan and Iran in Afghanistan: From Soviet Intervention to the Fall of Taliban**, Central Asia Journal No. 64,pp:28-42. Linked available at:http://www.asc-centralasia.edu.pk/Issue_64/02_Pakistan_and_Iran_in_Afghanistan.html

23-Askari Rizvi, Hassan,(2004) **Pakistan's Foreign Policy: An Overview 1947- 2004**,Pakistan Institute of Legislative Development And Transparency- Pildat, pp:1-29

24-Curtis, Lisa,(2012) **The reorientation of Pakistan's foreign policy toward its region**, Contemporary South Asia, Vol. 20, No. 2, June, pp. 255-269

25-Imani, Masoud(2009) **Caspian Basin Energy Resources and Iran 's Foreign Relations With India and Pakistan**, International Politics, Vol.2, No.III, Winter& Spring.

26-Karabulut, Bilal,(2005) **Strategy ,geo-strategy, geopolitics**, Platin yayinlary, Ankara

27- Kerr, Paul, Nikitin, Mary ,(2012) **Pakistan's Nuclear Weapons: Proliferation and Security Issues**, CRS Report for congress, May 10.Number RL34248.

28- Kumar, Sumita,(2008) **Pakistan–Iran Relations: The US Factor**, Strategic Analysis, Vol. 32, No. 5, September .pp773-789.

29-Maleki, Abbas, (September 2007)"**Iran-Pakistan -India Pipeline: Is It a Peace Pipeline?**" Magazine or Newspaper Article, MIT Center for International Studies Audit of the Conventional Wisdom, volume 7, issue 16.pp:1- 4

30- Mashal, Mujib(30 jul 2011) **Pakistani troops aid Bahrain's crack down**, linked available at: [http:// www. aljazeera .com/indepth/ features/ 2011 /07/ 2011725145048574888 .html](http://www.aljazeera.com/indepth/features/2011/07/2011725145048574888.html)

31- Montazeran, Ahmed and Kashif Mumtaz.(2004) **“Iran-Pakistan Cooperation for Regional Stability and Peace.”** Strategic Studies, Vol. XXIV, No.1, Spring.

32- Mushahid, Hussain, (1993)"**Pakistan-Iran Relations in the Changing World Scenario: Challenges and Response**," in Tarik Jain, et al, eds., Foreign Policy Debate: The Years Ahead (Islamabad: Institute of Policy Studies), pp. 215-9.

33- Pant, Harsh V.(2009) **Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship**, Middle East Quarterly, Spring, Volume xvi: Number 2, pp"43-50

34- Paul, T.V,(2005) **The India–Pakistan Conflict An Enduring Rivalry**, Cambridge University Press

35- Rahman, T, (1999) **Decline of Persian In British India**, Journal South Asia, Vol. XXII, No1, pp.47-62

